



۲۰۱۳/۱۰/۲۷



میر عبدالواحد سادات

احقاق حقوق مردم و یا اتلاف آن؟ بخش اول

درین نبشته موارد آتی به بررسی گرفته می شود:

- طرح مسائل مربوط به سرنوشت مردم و آنهم به شکل تبلیغاتی و "اپراتیفی".
- اتلاف حقوق مردم و شهداء.
- شیوه برخورد با مسایل.
- راهکارهای دستیابی به حقوق مردم و شهداء و تأمین عدالت.

به خاطر ارائه جواب های دقیق، این بحث تحت بخش های جداگانه با رعایت ایجاز، بررسی می شود. قبل از پرداختن به اصل موضوع، ذکر نکات آتی را ضروری میدانم:

- انگیزه پرداختن به این موضوع را ناشی از این ضرورت می دانم تا بالاخره، مبرا از حب و بغض شخصی - گروهی، حزبی - تنظیمی - قومی - سمتی و بدور از بازی های تبلیغاتی و اپراتیفی، مسائل مربوط به سرنوشت مردم به بررسی گرفته شود. (البته تعدادی از هموطنان درین عرصه از قبل قدم و قلم زده اند که تلاش های بیطرفانه شان قابل قدر است.)

- این قلم بر خلاف آنچه معمول گردیده، هیچگاهی ادعای بیطرفی ندارد؛ می خواهم با صراحت به خواننده گرامی اعلام نمایم که این قلم طرفدار حق، حقایق تاریخی و جانبدار حقوق مردم است.

- واضح است که در حوادث چند دهه اخیر، یافتن شخص و یا گروه بی طرف بسیار مشکل است، اما تجربه خونین و دردناک به هر افغان با درد و با درک آموخته است که در مسائل مربوط به سرنوشت مردم و وطن باید بالاتر از ذوق و سلیقه شخصی و گروهی (اعم از قومی - سمتی، تنظیمی - حزبی، ایدئولوژیکی - مذهبی) اندیشه و عمل کرد. می خواهم به خواننده گرامی اطمینان بدهم که در حد توان انسانی این اصل را مطمح نظر داشته باشم.

- این نوشته نه به خاطر الزام این شخص و آن گروه و نه به منظور برائت آن گروه و این شخص، نگارش یافته است. (در کشوری که چند میلیون کشته، زخمی و معلول داشته و بلندترین رقم مهاجران جهان را داراست و هنوز معلوم نیست که ما در خم کوچه اول نباشیم، ذهنیت های تنگ و تار در نهایت تنها به درد ارضا و افتناع شخصی خواهد خورد.) قدر مسلم آنست که باید به تاریخ باور داشت. تاریخ با بیرحمی در فردایی که هیچ کدام ما نخواهیم بود، قضاوت و حکم خود را صادر می نماید و به قول معروف، خداوند هم نمی تواند گذشته را تغییر دهد. اگر سارتر گونه مطرح نمایم، من خود را در قتل هر هموطن و هر انسان شریک می دانم زیرا که باشنده افغانستان و عضو جامعه بشری می باشم.

- قابل یاد آوریست، به خاطر رعایت شیوه بیطرفی علمی در تحقیق و پژوهش، درین نبشته هرگاه ضرورت به ذکر نام اشخاص رفته، به اسم اول و یا تخلص آن اکتفا گردیده است.

امیدوارم تا این نبشته گام کوچکی در راستای دستیابی به حقایق تاریخی و رفتن به طرف عدالت و تأمین کننده آینده با وفاق ملی و قرار گرفتن در مسیر وحدت ملی گردد.

طرح فهرست ناقص شهدای زمامداری امین در مقطع مشخص کنونی:

نخستین سؤالی که در ذهن خطور می نماید این است که چرا و به خاطر کدام اهداف این لیست و آنهم: - به شکل ناقص.

- به شکل تبلیغاتی و "اپراتیفی" و آنهم در آستانه ثبت نام کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری مطرح گردیده است؟

و در ثانی باید گفت که:

- ۱- آیا این فهرست ناقص کدام "کشف" جدید است؟

- ۲- آیا در گذشته این موضوع (فهرست شهداء) از طرف دولتهای وقت و در مقیاس ملی و بین المللی مطرح نگردیده است؟
- ۳- آیا عزای ملی و مراسم فاتحه و دعاخوانی به مناسبت شهدای زمان حفیظ الله امین در گذشته انجام نیافته است؟
- ۴- آیا جنایات دوره حفیظ الله امین (از ۷ ثور ۱۳۵۷ تا ۶ جدی ۱۳۵۸) در محدوده همین فهرست ناقص خلاصه میشود؟
- ۵- آیا جنایتکاران امینی محاکمه شده اند؟
- ۶- آیا رئیس جمهور کرزی و تیم شان در گذشته از وقوع این جنایات و فهرست شهدا بی اطلاع بودند؟ بر اساس حقایق انکار ناپذیر تاریخی و اسناد با اعتبار با اطمینان میتوان در موارد فوق خاطر نشان ساخت که:

۱- برای اولین بار حفیظ الله امین در (نومبر ۱۹۷۹) با اعلام شعارهای تبلیغاتی عوام فریبانه "فانونیت، مصونیت و عدالت" و در جهت انداختن مسؤولیت تمام کشتارها و جنایات به گردن نور محمد تره کی (کسی که توسط خودش سبکدوش و به شکل فجیع به قتل رسیده بود)، فهرست حاوی نام دوازده هزار شهید را چند روزی در دیوارهای وزارت داخله نصب کرد. فهرست متذکره شامل پنج گروه مخالف و مردم بیطرف و عادی می گردید. لذا این فهرست ناقص و به هیچوجه کدام کشف جدید دانسته نمی شود.

با این خلاصه سازی و فهرست ناقص، سازمان دهندگان آن در این برهه تاریخ کشور، آگاهانه و یا ناخواسته حجم جنایات حفیظ الله امین را تقلیل داده اند و این جفای بزرگی در حق مردم مظلوم و ناآرام ساختن روح شهدای آن دوران سیاه است. در غیر آن حقایق تلخ تاریخی گواه بر این واقعیت است که:

حفیظ الله امین و باند جنایت پیشه آن از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ تا آخرین روز زمامداری خویش (۲۷ دسامبر ۱۹۷۹) عامل اساسی و طراح قتل و کشتار وسیع مردم به شکل انفرادی و گروهی و قتل عام (massacre) می باشند. اگسا و کام "دشمنان دولت و انقلاب" را به پنج گروه آتی تقسیم بندی می نمودند:

- اخوان الشیاطین (بنیاد گرایان اسلامی)
- ناسیونالیست های عظمت طلب (افغان ملت)
- ناسیونالیست های تنگ نظر (پیروان ظاهر بدخشی)
- ماجراجویان چپ افراطی (شعله جاوید)
- اشرفیون (پرچی ها) ^(۱)

منحیث مشت نمونه خروار متذکر میشویم:

به دستور حفیظ الله امین:

- دو رییس جمهور: محمد داود با فامیلش و نور محمد تره کی به شهادت رسانیده شد و اعضای فامیل تره کی شکنجه، عذاب و زندانی گردیدند.

دو صدراعظم: نور احمد اعتمادی و محمد موسی شفیق به شهادت رسیده است.

- ده ها وزیر، وکیل پارلمان، اراکین بلند رتبه ملکی و نظامی دولت های شاهی و جمهوری به شهادت رسیده است.

- ده ها و صدها تن از اعضای جریان دیموکراتیک نوین (شعله جاوید)، پیروان محمد ظاهر بدخشی، افغان ملت، گروه های اسلامی و گروه های نه چندان معروف دیگر به شهادت رسیده اند.

- حدود چهار هزار تن از جناح پرچم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) و سازمان دیموکراتیک جوانان افغانستان و چند صد تن از جناح خلق آن حزب به شهادت رسیده و تعداد زیادی از اعضای هر دو جناح حزب متذکره زندانی، شکنجه و عذاب دیده اند.

تعدادی زیادی اهل علم و فرهنگ، حدود هفتصد تن از استادان و محصلان پوهنتون کابل و پولیتخنیک، تعداد کثیری از اهل معارف در مرکز و ولایات به شهادت رسیده اند.

- کشتارهای دستجمعی بیشتر از یکهزار تن در کنرها، تگاب، نجراب، بدخشان، بامیان و سایر ولایات صورت گرفته است.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

- هزارها تن مردم عام و بیچاره که در حوادث مختلف (در حوادث چن‌داول، بالا حصار و ... که ممکن نام و نشان آنها در هیچ فهرستی وجود نداشته باشد) گرفتار و به شهادت رسیده اند. بر علاوه در زمستان ۱۳۵۷ عمال امین در یک پلان تحریک آمیز به مراکز عمده روحانیت افغانستان تقریباً همزمان حمله و تعدادی را دستگیر و به شهادت رسیدند (وابستگان حضرت شور بازار، صاحبان مَسْهی لوگر، صاحبان کرخ هرات و میران گازرگاه) و عده ای هم موفق به فرار شدند (میاگل جان آغای تگاب و پیر مقتدای خوست).

از جمله مجموع کسانی که در آن دوره نابود گردیده اند؛ شاید حدود پنج فیصد آن محاکمه شده باشند و سایرین در ردیف اعدام های غیرقانونی (summary Execution) شمرده می شوند. ترور، کشتار، وحشت و اختناق آن دوره (سیطره و بعداً تسلط کامل حفیظ الله امین) قابل مقایسه با جنایات رژیم پل پوت در کمبودیا می باشد.

بعد از سقوط حفیظ الله امین، دولت جدید در اولین روزها، زندانیان (به تصادف زنده مانده) در زندان پلچرخ و محابس ولایات را که حدود بیست هزار تن می گردید آزاد ساخت. (چگونگی آن در جلد سوم کتاب «مکاتیب افغانی» اثر دوکتور محمود حبیبی که در آن روزها به حیث والی کابل تقرر یافته بود و بر رهائی بدون قید و شرط زندانیان دوران امین در ولایت کابل مسؤولیت داشت، بازگو گردیده است.)^(۲) به تعقیب آن دولت جدید در جنوری ۱۹۸۰ به خاطر شهادت زمان امین (از جمله شهادت مندرج فهرست ۱۲ هزار نفری) عزای عمومی و ملی را اعلان و در سراسر کشور مراسم فاتحه و دعا خوانی را بر گزار کرد.

بعد از سقوط دولت خونبار حفیظ الله امین، دولت جدید شماری از جنایت کاران امینی را دستگیر، زندانی، محاکمه و مجازات نمود که عده ای از آنها به جزای اعدام و متباقی به مدت های مختلف حبس محکوم گردیدند و چگونگی در مطبوعات، رادیو و تلویزیون بصورت وسیع پخش گردیده است.

۲- بعد از سقوط حفیظ الله امین، دولت جدید فهرست متذکره و ارقام و معلومات در مورد جنایات یاد شده را به مراجع بین المللی، دول متحابه و مؤسسه ملل متحد ارائه نمود. بصورت خاص صیغت الله مجددی و دستیار آنوقت شان (حامد کرزی رئیس جمهور فعلی) از تمام مسایل پیرامون موضوع وقوف کامل دارند و حتی فهرست ۱۲ هزار تن شهید آن دوره از طرف دولت در اواخر سال های هشتاد برای شان فرستاده شده است (که موضوع از جمله در مقاله تحت عنوان «نشر لیست نامکمل مقتولین و زنداران ما» مورخ نهم اکتوبر ۲۰۱۳ نوشته احسان الله مایار در سایت وزین افغان جرمن انعکاس یافته است).

با آنچه تذکر یافت؛ میتوان خاطر نشان ساخت که:

طرح موضوع و آنهم در وجود فهرست ناقص در احوال مشخص کنونی (ثبت کاندیدان برای انتخابات ریاست جمهوری قریب الوقوع) سوال بر انگیز پنداشته می شود. به عباره دیگر در واقع تلاش صورت گرفته تا: بعد از سفر رئیس جمهور به پاکستان و "نتایج مرموز آن" و سبکدوشی وزیر داخله قبلی، در دستور کار قرار گرفتن پایگاه ها و در آستانه ثبت نام انتخابات بخاطر:

انحراف اذهان مردم، مسأله به شکل تبلیغاتی و "اوپراتیفی" مطرح گردد.

هرکسی که با آشفته بازار سیاست افغانستان حد اقل آشنائی داشته باشد، به خوبی می داند که متأسفانه بسیاری از مقوله های قابل حرمت همانند "منافع ملی، حقوق بشر، دیموکراسی" و غیره منحصراً متاع و ابزار خرید و فروش در خدمت طراحان بازیهای سیاسی و اولیای پشت پرده امور که مقدرات تاریخی ما را رقم می زنند، قرار گرفته است. ما شاهد بودیم هرباری که رئیس جمهور کرزی به مثابه "موفق ترین مهره و چهره در راستای منافع امریکا و انگلیستان" در مضیقه قرار گرفته، در نقش مدافع حاکمیت ملی، منافع ملی و منفعت مردم گلو پاره کرده تا اذهان عمومی را از کنه حوادث منحرف سازد.

در بهار امسال که تجاوز نظامیان پاکستانی بر ولسوالی های شرقی کشور جریان داشت و عملاً در ولسوالی گوشته و مناطق همجوار سرحد تأسیسات نظامی را ایجاد کرده بودند، پارلمان با فرستادن هیأت در آن مناطق، می خواست موضوع را در جلسه ولسی جرگه مطرح نماید، اما به شکل بسیار مرموز و خلاف طرز العمل داخلی مجلس، قانون نافذ «منع خشونت علیه زنان» در پارلمان به بحث گذاشته شد؛ چند ملانمای سرکاری و متعصب در نقش اخلاف ملای لنگ زن سنتیزی شانرا به نمایش گذاشتند. به تعقیب کشتار اهالی ملکی در فراه و چند محل دیگر، "مضحکه

پوهنتون و دانشگاه" روزها اذهان مردم، مطبوعات و رسانه های جمعی را مصروف نگهداشت و در نتیجه: تجاوز نظامیان پاکستان و کشتار اهالی ملکی به تاق نسیان گذاشته شد.

اکنون نیز طراحان خواسته اند با یک تیر چندین فاخته شکار نمایند. در گام نخست در آستانه ثبت نام انتخابات، به ناقضان سابقه دار و بالفعل حقوق بشر و چهره های مافیائی وابسته به دولت، غاصبان زمین و مجرمین مالی و اقتصادی آرامش خاطر داده شده، تا از کانال های به ظاهر حقوقی با خاطر آرام عبور داده شوند. اگر زیر کاسه، نیم کاسه نمی بود؛ چرا چنین لیست دم بریده، ناقص، مغشوش و با اختلاط، حوادث و دوره های متفاوت را مطرح نمایند.

ادامه دارد

-
۱. صفحه ۱۳۴ کتاب افغانستان سرزمین حماسه و فاجعه. نوشته میر عنایت الله سادات.
 ۲. صفحه ۳۰ جلد سوم کتاب «مکاتیب افغانی». تألیف کاندید اکادمیسین داکتر محمود حبیبی. نظر، نقد و تکمله شما را پیرامون موضوع به این آدرس منتظرم:

mir-sadat@hotmail.com

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ